

تهدید منافع یا فرصتی برای توسعه سواحل: اعطای اجازه انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی به

محققان خارجی در مناطق دریایی کشور از منظر حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل دریاها

دکتر سید ضیاءالدین مدنی

مؤسسه ملی اقیانوس‌شناسی، پژوهشکده علوم دریایی، گروه حقوق و مطالعات راهبردی

چکیده

اهمیت توسعه سواحل امروزه بر هیچ کشوری پوشیده نیست. هرچند تحقق این مهم نیازمند تدارک یک سلسله سازکارهای مقدماتی است. از جمله مهم‌ترین این سازکارها توجه جدی به مقوله تحقیقات علمی دریایی قبل و در جریان فرایند توسعه سواحل است. انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی هم می‌تواند توسط نهادها و محققان داخلی، و هم خارجی صورت پذیرد. امروزه کمتر کشور ساحلی در جهان را می‌توان یافت که تجربه دریافت درخواست انجام فعالیت تحقیقاتی علمی دریایی توسط نهادها و محققان خارجی و بین‌المللی را نداشته باشد. اعطای اجازه انجام تحقیقات علمی دریایی توسط هر کشور ساحلی به‌طور معمول متضمن طی یک فرایند ویژه توسط نهاد یا محقق خارجی است که هم در حقوق داخلی کشورها و هم در اسناد حقوقی بین‌المللی نهادینه شده است. اما این‌که اعطای این اجازه را باید تهدیدی در برابر منافع کشور قلمداد کرد و یا آن را فرصتی برای توسعه سواحل و مناطق دریایی تلقی نمود مسئله‌ای است که بررسی و واکاوی آن نیازمند آگاهی از قواعد و مقررات ناظر بر موضوع، هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌المللی دریا است. بر این اساس، این نوشتار می‌کوشد تا با تبیین حقوق حاکم بر تحقیقات علمی دریایی توسط بیگانگان از بعد داخلی و بین‌المللی، به این پرسش پاسخ دهد که آیا اعطای اجازه انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی به محققان بیگانه تهدیدی علیه منافع کشور به‌شمار می‌رود؛ و این‌که آیا می‌توان با پیش‌بینی یک سلسله راهکارها، امکانی برای تبدیل این تهدید احتمالی به یک فرصت مناسب و مفید در راستای توسعه سواحل کشورمان فراهم ساخت یا خیر.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، حقوق دریاها، توسعه سواحل، تحقیقات علمی دریایی، معاهدات بین‌المللی دریایی

۱. مقدمه

سواحل در حال حاضر، به صحنه رقابت بیش از پیش کشورها برای حرکت پرشتاب در مسیر توسعه بدل شده‌اند. دلیل این رقابت پرشتاب، ظرفیت‌های کم‌نظیری است که در این عرصه وجود دارد. از همین رو، اهمیت توسعه سواحل در حال حاضر برای کشورها به شکل فزاینده‌ای در حال رشد است. هرچند تحقق این مهم نیازمند پیش‌بینی و تدارک یک سلسله سازکارهای مقدماتی است که از جمله مهم‌ترین این سازکارها را می‌توان توجه جدی به مقوله تحقیقات علمی دریایی قبل و در جریان فرایند توسعه سواحل به‌شمار آورد.

فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی هم می‌توانند توسط نهادها و محققان داخلی، و هم خارجی به انجام رسند. امروزه کمتر کشور ساحلی در جهان را می‌توان یافت که دریافت درخواست انجام فعالیت تحقیقاتی علمی دریایی توسط نهادها و محققان خارجی و بین‌المللی را تجربه ننموده باشد. اعطای اجازه انجام تحقیقات علمی دریایی توسط هر کشور ساحلی به‌طور معمول متضمن طی یک فرایند ویژه توسط نهاد یا محقق خارجی است که هم در حقوق داخلی کشورها و هم در اسناد حقوقی بین‌المللی نهادینه شده است.

اهمیت، جذابیت و ظرفیت‌های کم‌نظیر نهفته در مناطق دریایی و سواحل کشورمان، به ویژه در خلیج فارس و دریای عمان، از جهات گوناگون برای محققان و نهادهای تحقیقاتی دریایی داخلی و خارجی، که در هر زمینه از علوم و فنون دریایی فعالیت می‌کنند، غیرقابل انکار است. این‌که محققان و نهادهای تحقیقاتی خارجی و بین‌المللی چگونه و تحت چه چارچوبی امکان دسترسی به مناطق دریایی کشورمان را خواهند داشت، مقوله‌ای است که باید پاسخ آن را حسب مورد در مقررات و موازین حقوقی داخلی^۱ و بین‌المللی^۲ یافت. در یک قالب کلی، به نظر می‌رسد دسترسی این افراد و نهادها به این مناطق کشورمان موکول به ارایه درخواست آنان و کسب اجازه از مقامات ذربط کشورمان است.

این‌که اعطای این اجازه را باید تهدیدی در برابر منافع کشور قلمداد کرد، و یا آن را فرصتی برای توسعه سواحل و مناطق دریایی تلقی نمود مسئله‌ای است که بررسی و واکاوی آن نیازمند آگاهی از قواعد و مقررات ناظر بر موضوع، هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌المللی دریا است. بر این اساس، این نوشتار می‌کوشد تا با تبیین حقوق حاکم بر تحقیقات علمی دریایی توسط بیگانگان از بعد داخلی و بین‌المللی، به این پرسش پاسخ دهد که آیا اعطای اجازه انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی به محققان بیگانه تهدیدی علیه منافع کشور به‌شمار می‌رود؛ و این‌که آیا می‌توان با پیش‌بینی یک سلسله راهکارها، امکانی برای تبدیل این تهدید احتمالی به یک فرصت مناسب و مفید در راستای توسعه سواحل کشورمان فراهم ساخت یا خیر.

بی‌شک، تحقیقات علمی دریایی را باید پیش‌شرط و لازمه‌ی تعیین توسعه پایدار سواحل کشورها به‌شمار آورد. در آن بخش از فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی که توسط محققان و نهادهای داخلی به انجام می‌رسند، مسئله‌ای وجود ندارد و از چارچوب این نوشتار خارج است. نقطه تمرکز نوشتار پیش رو، سلسله فعالیت‌های تحقیقاتی دریایی است که توسط محققان و نهادهای بیگانه به انجام می‌رسند. این فعالیت‌ها در آب‌های همجوار ساحل یک کشور ساحلی به اجرا در می‌آیند که از دیدگاه آن کشور، آب‌های مجاور ساحل‌اش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند که بطور عمده به دلیل ارتباط احتمالی فعالیت‌های تحقیقاتی با منابع طبیعی موجود در منطقه تحت عملیات تحقیقاتی است ارزش اقتصادی منابع طبیعی آن است. این منابع طبیعی، سرمایه‌ای مهم و با ارزش بوده و به مثابه امتیازی برتر در جهان محسوب می‌گردد. از این رو در بادی امر، دسترسی بیگانگان، حتی در مقام تحقیق علمی، همچنان می‌تواند شائبه سؤاستفاده و تهدید احتمالی را با وصفی که ذکر شد، به ذهن متبادر نماید.

در همین راستا، در این نوشتار سعی در آرایه و بررسی شرایط کلی موجود در نظام حقوق بین‌الملل دریاها برای انجام فعالیت‌های تحقیقاتی دریایی در مناطق ساحلی و دریایی کشورها توسط محققان و نهادهای خارجی و بین‌المللی خواهد شد. به بیان دقیق‌تر، شرایطی در این نوشتار پیشنهاد خواهند شد که کشورهای ساحلی، و بطور خاص ج.ا. ایران، می‌توانند با بکار بستن آن‌ها تهدید احتمالی پیش‌گفته را به فرصتی تبدیل نمود که طی آن ضمن بهره‌مندی از ظرفیت‌های نهادهای علمی بین‌المللی در حوزه علوم و فنون و تجربیات مفید، اعم از انتقال فناوری، آموزش متخصصان کشورمان و دسترسی به نتایج حاصل از تحقیقات در راستای توسعه سواحل و مناطق دریایی کشور، می‌توان منافع ملی کشور را نیز در این فرایند تضمین نمود.

۲. لزوم شرکت محققان و نمایندگان کشور ساحلی در سفر تحقیقاتی دریایی

در بادی امر، در باب امکان و یا عدم امکان انجام فعالیت تحقیقاتی دریایی توسط بیگانگان اعم از اشخاص حقیقی محقق، و یا شخصیت‌های حقوقی مانند نهادهای بین‌المللی تحقیقاتی، باید نگاهی به حقوق داخلی بیاندازیم. ماده ۱۴ قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ در باب منطقه انحصاری اقتصادی، در شق (۲) از بند ب، انجام هرگونه پژوهش در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره کشورمان را تحت حقوق حاکمه و صلاحیت ج.ا. ایران قلمداد می‌نماید.

مقرر در این ماده از ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اقتباس یافته است با این تفاوت که در پاراگراف ۲ بند (ب) ماده ۱۴ عبارت «انجام هرگونه پژوهش» لحاظ گردیده است که به‌نظر می‌رسد بسیار جامع‌تر و موسع‌تر از عبارت مندرج در شق ۲ بند (ب) پاراگراف ۱ ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها باشد که تنها سخن از «تحقیقات علمی دریایی» به میان آورده است. ماده ۱۷ قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران نیز در باب فعالیت، کاوش و تحقیقات علمی، ادبیات موسع برگرفته از مفاد بند ۲ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها است و تمامی انواع فعالیت‌های با هدف دستیابی به اشیاء غرق شده، کاوش و تحقیقات علمی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره را موقوف به اجازه مقامات ذیربط جمهوری اسلامی ایران می‌نماید. بنابراین در هیچ‌یک از این مقررات، ممنوعیت مطلق انجام فعالیت‌های تحقیقاتی دریایی توسط بیگانگان، حتی با کسب اجازه از مقامات صالحه کشورمان، لحاظ نشده است، و این بدین معنا است که این محققان می‌توانند با آرایه درخواست و طی فرایند قانونی، در صورت موافقت مقامات صلاحیتدار کشورمان، به فعالیت تحقیقاتی دریایی مبادرت ورزند.

مشارکت محققان داخلی و خارجی در عملیات تحقیقاتی همواره، حتی پیش از درج آن در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها، عملکردی گسترده در سطح جهانی بوده است. طبق یافته تحقیق انجام شده توسط کمیته مربوط به امور اقیانوسی بین‌المللی ایالات متحده^۳ در سال ۱۹۷۳ «از ۳۵۷ رضایت اعطا شده^۴، برای مشارکت ۲۷۵ نفر از محققان کشور ساحلی، پیش از انجام فرایند رسیدگی و تریخ درخواست تحقیقات، هماهنگی‌های لازم صورت گرفت. از این رو، میانگین تعداد محققان مهمان دعوت شده در هر سفر تحقیقاتی ۰/۷۷ بوده است. ۸۰ تن از محققان خارجی بدون دعوت قبلی از سوی کشور تحقیق‌کننده در سفر تحقیقاتی حضور داشتند بر این مبنا که کشور ساحلی، اعطای رضایت خود را موقوف به شرکت آنان در فعالیت تحقیقاتی نموده بود. از مجموع ۳۵۷ رضایت اعطا شده، تنها حضور ۳۳ نفر ناظر، به استثنای محققان دعوت شده و دعوت نشده، توسط کشور ساحلی موقوف به اعطای رضایت شد. این گروه اخیر (ناظران)، شمار مهمانان کشور ساحلی را در مجموع ۳۵۷ سفر (تحقیقاتی)، به ۳۸۸ نفر رساند که نشان‌گر میانگین حضور ۱/۰۹ نفر در هر سفر است»^۵.

این تحقیق چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «اکثریت قریب به اتفاق رضایت‌های اعطا شده (برای انجام تحقیقات علمی دریایی) در گذشته، به‌جز حضور مهمانان کشور ساحلی در داخل کشتی هیچ دشواری یا مداخله دیگری را در پی نداشته است. دشواری عمده تنها در منطقه شرق آسیا رخ می‌داد، از این حیث که برنامه‌های سفر را اغلب با تغییرات اساسی مواجه می‌نمودند»^۶.

در سال‌های اخیر، سیاست وزارت کشور ایالات متحده به‌نظر می‌رسد در این زمینه سخت‌گیرانه‌تر هم شده است بدین دلیل که «اگر قصد نداشته باشد که اجازه حضور و مشارکت علمی دانشمندان در پروژه تحقیقاتی را بدهد»، درخواست انجام آن پروژه را رد خواهد نمود. دلیل اتخاذ چنین سیاستی توسط

کشور ایالات متحده - که به روشنی مبتنی بر ماده ۲۴۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهاست - این است که «دانشمندان آمریکایی در گذشته، هنگامی که از قصد کشور ساحلی دایر بر مشارکت دانشمندان و ناظران خود در جریان سفر تحقیقاتی آگاهی می‌یافتند، از درخواست خود انصراف می‌دادند، و این امر موجب تشدید و محدودسازی روابط این کشور می‌شد»^۷.

به نظر می‌رسد که جنبه مالی حضور نماینده کشور ساحلی در سفر تحقیقاتی بسیار ضعیف است، اما در مقابل، تغییرات در برنامه‌های سفر تحقیقاتی به دلیل زمان‌بندی حضور آن نماینده در کشتی، در مواردی دیده شده است که مورد سوءاستفاه قرار گرفته است. البته، التزام به تضمین مشارکت یا حضور نماینده یک کشور ساحلی در کشتی، بستر گسترده‌ای را برای انجام تفسیرهای ناشی از سوءنیت فراهم ساخته است. ماده ۲۴۹ (بند ۱ پاراگراف الف) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای دربردارنده مقرره مربوط به حضور شرکت‌کنندگان یا نمایندگان کشور ساحلی در جریان سفر تحقیقاتی اعم از عرشه و داخل کشتی یا در تأسیسات تحقیقات علمی یا سکوی تحقیقاتی است و تصریح می‌کند که این حضور باید «بدون پرداخت هیچ وجه یا اجرتی به محققان کشور ساحلی و بدون التزام مشارکت در هزینه‌های پروژه» به عمل آید.

این مقرره حاکی از آن است که محققان برای شرکت خود در روند تحقیقات، نه ملزم به پرداخت و نه دریافت اجرتی هستند. بازرسان، به‌عنوان نمونه‌ای از «نمایندگان»، نه صراحتاً تحت شمول ماده ۲۴۹ (بند ۱) قرار گرفته‌اند و نه صراحتاً از آن مستثنی شده‌اند، و به نظر می‌رسد که شماری از کشورهای ساحلی از این ابهام به مثابه انگیزه‌ای برای خود بهره‌جسته‌اند تا بتوانند بازرسان خود را در پرتو این ماده رهسپار سفر تحقیقاتی کنند.^۸ محدودیت موجود در این زمینه را به نظر می‌رسد ماده ۳۰۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای وارد می‌کند، بدین ترتیب که در مواردی که درخواست شرکت کردن یا حضور نماینده در جریان تحقیقات به همراه شرایط بیشتری ارایه می‌شود، این شرایط اخیر باید در یک چارچوب معقول مطرح شود و کلیت پروژه تحقیقاتی را هم از حیث برنامه زمان‌بندی و هم از حیث بقای اقتصادی به مخاطره نیاندازد.

وزارت کشور ایالات متحده مبادرت به صدور رهنمودهایی راجع به شرکت در عملیات تحقیقاتی علمی دریایی با هدف کاهش مشکلاتی نموده است که در جریان شرکت نمودن کشور ساحلی در جریان عملیات تحقیقاتی رخ داده است. این مشکلات عبارتند از: الف) اعلام با تأخیر و دیر قصد خود مبنی بر شرکت توسط کشور ساحلی، ب) پاسخ‌گوندن از سوی متصدیان تحقیق، ج) شرایط غیرعادی شرکت کردن (در محل‌های استقرار در دریا، د) فضای ناکافی برای شرکت‌کنندگان در نتیجه فقدان برنامه‌ریزی توسط متصدی تحقیق، و ه) انصراف متصدیان تحقیق از درخواستشان به هنگام اطلاع از قصد کشور ساحلی مبنی بر شرکت.

ماده ۲۴۹ (بند ۱ پاراگراف الف) این امر را به اختیار کشور ساحلی وامی‌گذارد که چه کسی را داخل کشتی بگذارد. واژه‌های «شرکت کردن» و «حضور نماینده» شامل اشخاصی است که فعالانه در خدمت پروژه هستند و نیز اشخاصی که صرفاً ناظر آن هستند که آیا شرایط تعیین‌شده کشور ساحلی رعایت می‌شوند یا خیر. کنترل دقیق، البته نیازمند گماردن نیروهای آگاه به موضوع و بازرسان متخصص موشکاف است، و دشوار است که بینیم کنترل، بدون درک حقیقی پروژه بتواند رخ دهد. تعبیر و برداشته‌ها از شرایط پیش‌گفته در مورد پروژه نمی‌تواند فی‌نفسه جامع باشد؛ به بیان دیگر، کسی که بدون آگاهی لازم به امر نظارت و کنترل گمارده می‌شود نخواهد دانست که باید به دنبال چه باشد، یا برعکس، استنباط‌های نادرست از وقایع (مانند تجهیزات بی‌ضرر یا رخدادهای بی‌ضرر) خواهد نمود. مقامات کشور ساحلی باید با بهره‌گیری از اطلاعات دقیق، فردی مناسب را برگزینند و شاید حتی فرد یا افراد مورد نظر را از پیش، تحت آموزش علمی پیرامون نتایج و برداشته‌های احتمالی قرار دهند.

افزون بر این، به نظر می‌رسد تعارضی میان ماده ۲۴۸ (بند و) و ماده ۲۴۹ (بند ۱ پاراگراف الف) وجود داشته باشد،^۹ بدین ترتیب که درست است که ماده ۲۴۸ (بند و) شرکت کردن و اعزام نماینده را به توانایی و خواست کشور ساحلی در انجام آن موکول می‌نماید، اما با این حال، ماده ۲۴۹ (بند ۱ پاراگراف الف) آن را یک التزام بر ذمه تحقیق‌کننده قلمداد می‌کند از این حیث که از عبارت «تضمین حق»^{۱۰} کشور ساحلی در شرکت یا اعزام نماینده در سفر تحقیقاتی استفاده نموده است. روشن است که «حق» قابل مصالحه نیست. ماده ۲۴۳ (بند و) بیانگر آن است که مسئله توانایی و خواست کشور ساحلی باید توسط کشور تحقیق‌کننده مورد ارزیابی قرار گیرد. این در عمل به معنای آن است که کشور تحقیق‌کننده یک فرصت را «پیشنهاد» می‌کند و اصلاً در مقام ایفای یک التزام منعث از حق کشور ساحلی نیست. درعین حال، استیفای یک حق نیازمند اهلیت تمتع از آن است. بر همین اساس، در مواردی که کشور ساحلی اهلیت اعمال این حق را دارا نیست، هیچ التزامی بر ذمه کشور تحقیق‌کننده مستقر نخواهد شد. از همین‌رو، ماده ۲۴۹ (بند ۱) باید چنین خوانده شود:

«... تضمین کند که کشور ساحلی بتواند حق خود را در شرکت در جریان تحقیقات استیفا نماید».

مقررّه موجود در این دو ماده پیش‌گفته جنبه دیگری را نیز مطرح می‌سازند که همانا امتیازی است که کشور ساحلی از آن بهره‌مند است که طی آن «حدود و ثغوری که کشور ساحلی وفق آن قادر به شرکت یا اعزام نماینده در جریان تحقیقات» است را معین می‌کند. یکی از مؤلفه‌های محدودکننده

شرکت یا داشتن نماینده در جریان عملیات تحقیقات علمی دریایی، اهلیت و توانایی خود کشور ساحلی است.^{۱۱}

مؤلفه محدودکننده دیگر می‌تواند توانایی و اهلیت اندک کشور تحقیق‌کننده در پذیرا شدن افراد بیشتر در سکوی تحقیقاتی است. ماده ۲۴۹ (بند ۱ پاراگراف الف) شرط «امکان‌پذیر بودن»^{۱۲} را در این رابطه مطرح می‌سازد. شرط «چنانچه مایل به انجام این کار باشد»^{۱۳} دلالت بر آن دارد که حق شرکت داشتن باید صراحتاً انشاء و ابراز گردد و موکول به اهلیت (توانایی) کشورهای ساحلی است؛ افزون بر این، هیچ تعریفی از شرکت یا داشتن نماینده در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیامده است. هرچند عملکرد کشورها، نشانگر آن است که اکثر کشورهای ساحلی تنها در صورتی اعلام رضایت به انجام تحقیقات علمی دریایی می‌کنند که دانشمندان یا ناظرانشان در آن شرکت داده شوند.

بنابراین، کشورمان ایران نیز می‌تواند با اعمال این شرط قانونی و متعارف، که سازگار با موازین موجود در حقوق بین‌الملل دریاها نیز می‌باشد، از یک سو، ضمن انتفاع از این ظرفیت‌ها، هم امکان شرکت محققان کشورمان را در آن سفر و فعالیت تحقیقاتی محققان و نهادهای تحقیقاتی بین‌المللی شناخته‌شده در آب‌های تحت حاکمیت یا صلاحیت‌مان فراهم کند، و هم از سوی دیگر، با نهادن ناظران آگاه در جریان سفر تحقیقاتی مزبور بر فرایند تحقیقاتی علمی دریایی نظارت مقتضی و کنترل مؤثر به عمل آورد.

۳. تعهد به انتشار نتایج حاصل از تحقیقات و عرضه داده‌ها

«دانش شاید آشکارترین نمونه خیر همگانی است. به محض اینکه دانش ایجاد شود، در اصل می‌تواند با مردمان بسیاری به‌طور همزمان به اشتراک گذاشته شود و برای تولیدکنندگان و خالقان دانش دشوار است که آن را به‌صورت انحصاری نزد خود نگاه دارند. از همین‌رو، اگر در معرض دسترسی همگان قرار گیرد، همواره می‌تواند پشتوانه‌ای برای خلق و تولید دانش جدیدی باشد. دانش نه تنها یک خیر عمومی ملی است بلکه یک خیر عمومی جهانی نیز هست، زیرا اشاعه آن در چارچوب مرزها محصور نخواهد ماند. مردمان هر ملتی می‌توانند از دانش عملی یا فناوری تولیدشده توسط سایر ملل بهره‌مند گردند».^{۱۴}

در تحقیقی که در مباحث پیشین توسط کمیته مربوط به اقیانوسی بین‌المللی ایالات متحده در سال ۱۹۷۳ اشاره شد، آمده است که دانشمندان و محققانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، به‌شدت با لحاظ قیود و شرایط در خصوص صلاحیت بر داده‌های خام و یا نمونه‌ها و حق انتشار آن‌ها مخالف بودند. درست است که انتشار عمومی نتایج یک سفر تحقیقاتی مشکل قلمداد نمی‌شود، با این حال دانشمندان و محققان زیر بار این پیشنهاد نمی‌روند که انتشار نتایج تبدیل به یک التزام اجبارآمیز شود.^{۱۵} مشکل به‌طور عمده در مواردی اتفاق می‌افتد که در آن نتایج یک پژوهش علمی، کوشش‌ها و هزینه‌های انتشار آن را جبران نمی‌کند. در بسیاری از موارد برآیند کار تحقیقاتی آن‌قدر بی‌اهمیت است که عرضه و انتشار آن بیش‌تر از این‌که مفید باشد زیان‌بار است، به‌ویژه از حیث زیان به اعتبار دانشمند و محقق.

این نگرانی در هنگامی جدی‌تر می‌شود که کشور ساحلی لزوم ارایه داده‌های خام را مطرح می‌کند که در آن احتمال عرضه و انتشار آن داده‌ها نیز داده می‌شود که به ظن قوی بی‌اعتباری آنها پس از عرضه عمومی احراز خواهد شد. دلایل دیگر برای مخالفت‌ها در این خصوص عبارتند از: تصاحب و انتشار نتایج پیش از مؤلف آن؛ زمان‌بندی غیرواقع‌گرایانه برای انتشار بدین دلیل که یک محقق نمی‌تواند، از پیش، این تضمین را کند که نتایج ظرف زمان معینی قابل انتشار خواهد بود؛ و مسئله توافق قبلی با یک محقق کشور ساحلی راجع به تألیف مشترک نتایج در حالی که سزاوار آن نیست و نقش چندانی در دستیابی به آن نتایج نداشته است. برطبق تحقیق پیش‌گفته، حداقل نمونه شرط قابل قبول برای محققان، اجازه تملک و کنترل بر عدم کپی‌برداری از داده‌ها یا نمونه‌ها توسط کشور ساحلی است. این محدودیت‌های وارد بر دانشمندان، همچنان به قوت خود باقی هستند.^{۱۶}

از نقطه‌نظر یک کشور ساحلی توضیح مطروحه راجع به عدم انتشار به نظر می‌رسد چندان اهمیتی نداشته باشد اگر چنانچه درک و التفات چندانی برای جزئیات نشر علمی نداشته باشد. به‌نظر می‌رسد که به نفع هر دو طرف باشد که ماده ۲۴۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را به شکلی موسع تفسیر کنیم. در مواردی که نتایج تحقیق موکول به نشر آن به‌عنوان خدمتی به جهان تخصص علمی نشده است، محققان از روی ادب و نزاکت می‌توانند نتایج تحقیقات را به همراه یک تفسیر علمی از آن، به شرط عدم انتشار آن، در اختیار کشور ساحلی گذارند. از همین‌رو، انتشار نباید به مثابه یک هنر انگاشته شود، بلکه به مثابه مسؤلیتی بر دوش محقق در جریان فرایند رضایت‌دهی از روی ادب و نزاکت باید تلقی گردد که دربردارنده منافع امنیتی کشور ساحلی است.

برخی صاحب‌نظران این عرصه با این اندیشه مخالف هستند و معتقدند که هدف نخستین ماده ۲۴۹ (بند ۲) فراهم‌سازی یک فرصت برای کشور ساحلی به منظور کنترل دسترسی به اطلاعات مربوط به منابع در منطقه انحصاری اقتصادی خود است، و اینکه این شرط بر همین‌اساس به‌آنگونه از تحقیقات محدود شده است که در عمل مربوط به منابع در منطقه انحصاری اقتصادی هستند. شاید بتوان ماده ۲۴۹ (بند ۲) را دنباله منطقی و نتیجه عقلایی ماده ۲۴۶ (بند ۵ پاراگراف الف) قلمداد نمود: در مواردی که اعطای رضایت در اختیار کشور ساحلی است، او می‌تواند شرایط خاصی را بر تحقیقات در مرحله اجرای آن بار نماید.^{۱۷}

نکته جالب در این‌جا آن است که آیا ماده ۲۴۹ (بند ۲) را باید یک استثناء قلمداد نمود و یا یک مثال. اگر قصد آن می‌رفت که نشان داده شود که کشور

ساحلی تنها هنگامی می‌تواند چنین شرطی را بار نماید که تحقیقات اهمیت مستقیم برای اکتشاف و بهره‌برداری منابع طبیعی داشته باشند، در این صورت ماده ۲۴۹ (بند ۲) را باید محدودیتی را بر اختیار اعطایی ماده ۲۴۶ (بند ۵) به کشور ساحلی به‌شمار آورد. آن‌گاه کشور ساحلی حق اعمال شرط از پیش توافق شده را نخواهد داشت اگر چنانچه تحقیقات دربردارنده کندوکاو در بستر دریا یا بکارگیری تأسیسات یا سازه‌های خاص نباشد. از سوی دیگر، اگر ماده ۲۴۹ (بند ۲) قصد آن داشت که آنچه کشور ساحلی در چارچوب ماده ۲۴۶ (بند ۵) به‌طور کلی نیاز دارد را به‌طور مثال بیان کند، در این صورت ماده ۲۴۹ (بند ۲) تعارضی با ماده ۲۴۶ (بند ۵) نخواهد داشت.

ماده ۲۴۶ (بند ۵) اعمال این اختیار را جایز نمی‌داند بلکه تنها نمونه‌ها و مثال‌هایی را فهرست می‌کند که در آن کشور ساحلی می‌تواند از این اختیار خود را استنکاف از اعطای رضایت استفاده نماید. به‌نظر می‌رسد که اعمال این اختیار متضمن اعمال تمامی شرایطی است که کشور ساحلی مناسب و مقتضی تلقی نماید.^{۱۸} و اعطای رضایت به شرط اینکه موافقت کشور ساحلی پیش از هرگونه انتشار باید جلب شود، محدودیت کمتری بر آزادی تحقیقات علمی قلمداد می‌شود تا اینکه از اعطای رضایت به یکباره استنکاف ورزیده شود. از سوی دیگر، ماده ۲۴۹ (بند ۲) در محدودسازی نیاز به جلب موافقت قبلی در آن دسته از تحقیقاتی که دارای اهمیت و ارتباط مستقیم با منابع طبیعی است، به‌نسبت روشن و صریح است. مادامی که منافع اقتصادی کشور ساحلی دغدغه اصلی مقررات مزبور باشد، یعنی به‌طور خاص مقررات مندرج در بخش پنجم و بخش سیزدهم، و نیز مادامی که کنترل اطلاعات راجع به منابع طبیعی پیش‌شرط ضروری برای کنترل اکتشاف و بهره‌برداری منابع باشد و بنابراین عامل تعیین‌کننده در کاربرد اقتصادی منطقه انحصاری اقتصادی باشد، در این صورت تفسیر مضیق از ماده ۲۴۹ (بند ۲) ملاک قرار خواهد گرفت. محدودیت صریح وارد بر مثال‌های مقرر در ماده ۲۴۶ (بند ۵) پاراگراف الف باید به مثابه محدودیتی بر اعمال اختیار کشور ساحلی قلمداد گردد. روشن است که این کشور درخواست‌کننده است که می‌تواند شرط جلب موافقت قبلی را برای انتشار در مواردی غیر از موارد احصاء شده در ماده ۲۴۹ (بند ۲) بپذیرد یا خیر، و این شاید تنها راه برای کسب رضایت کشور ساحلی باشد، اما اگر دقیق‌تر نگاه کنیم در خواهیم یافت که اعمال چنین شرطی در چارچوب حقوق بین‌الملل چالش‌برانگیز بوده و خالی از اشکال نیست.^{۱۹}

بر اساس آنچه در این گفتار آمد، کشور ما نیز می‌تواند با لحاظ چنین شرایطی برای محققان و نهادهای بین‌المللی تحقیقاتی دریایی، هم از ظرفیت‌های خارجی و بین‌المللی متقاضی انجام تحقیقات دریایی در آب‌های مجاور سواحل و مناطق دریایی کشورمان استفاده بیشینه‌ای در جهت توسعه سواحل‌مان نماییم و هم منافع ملی خود را تا سرحد امکان حفظ و تضمین نماییم. افزون بر این، با تعیین تکلیف داده‌ها، نمونه‌ها و نتایج حاصل از فرایند تحقیقات خارجی در مناطق دریایی و سواحل کشورمان، امکان تحقیقات آبی و (شاید) دقیق‌تر در راستا و سازگار با منافع کشور را برای محققان داخلی فراهم خواهیم آورد.

۴. تعهد به عدم ایجاد تداخل با فعالیت‌های کشور ساحلی

یکی دیگر از شرایط لازم الرعایه در انجام فعالیت‌های تحقیقات علمی دریایی در ماده ۲۴۶ (بند ۸) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای فهرست شده است. مطابق این مقرره، فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی مندرج در این ماده نباید به‌طور غیرموجه با فعالیت‌های کشور ساحلی در راستای اعمال حقوق مالکیتی و صلاحیت او به نحو مقرر در این کنوانسیون تداخل ایجاد کند. مقرر فوق مندرج در بند ۸ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای دو جنبه حایز توجه است؛ نخست اینکه، همان‌طور که در مقام بیان شرایط انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی یک کشور ساحلی هستیم، مقرر موجود در این ماده را می‌توان محدودیتی دیگر بر فعالیت‌های تحقیقات علمی دریایی و به‌واقع شرطی دیگر از سلسله شرایط انجام این فعالیت‌ها در منطقه انحصاری اقتصاد به‌شمار آورد.

دومین جنبه اهمیت مقرر مندرج در بند ۸ ماده ۲۴۶ آن است که به‌طور کلی تقدم کشور ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی را به رسمیت می‌شناسد. بنابراین مهم است که کشور تحقیق‌کننده، از پیش مبادرت به استعلام نماید تا در آینده تداخلی در این زمینه حادث نشود. و به‌نظر می‌رسد که کشور ساحلی، به موجب ماده ۲۴۲ و ۲۴۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای مکلف به تسهیل دسترسی به چنین اطلاعاتی است به‌طوری که کشور تحقیق‌کننده بتواند هماهنگی‌های لازم را براساس زمان‌بندی صورت دهد. اگر چنانچه کشور تحقیق‌کننده در جریان انجام تحقیقات با تداخلی مواجه گردد، ماده ۲۴۶ (بند ۸) فرض را بر محقق بودن کشور ساحلی گذارده است و به نفع آن کشور حکم داده است.

چنانچه رضایت قبلی کشور ساحلی به انجام تحقیقات در متن خود این دسته تداخل‌ها را پیش‌بینی نموده باشد و راه‌حلی را برای آن مقرر نموده باشد تا از طریق هماهنگی‌های لازم آن تداخل‌ها مرتفع گردند، تنها در این صورت است که کشور تحقیق‌کننده می‌تواند از آثار و نتایج ماده ۲۴۶ (بند ۸) پیشگیری و در امان بماند. حتی با اینکه واژه «غیرموجه» فضای بکارگیری مضیقی را در هنگام حدوث تداخل عملی در اختیار کشور ساحلی قرار می‌دهد، با این حال، این به نفع کشور تحقیق‌کننده است که از پیش تدابیر لازم را برای پیشگیری از اینگونه غافلگیری‌ها اتخاذ کند.

۵. کنترل پایبندی در جریان عملیات تحقیقاتی

با نگاهی به روند مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها در خواهیم یافت که محدودیت‌های وارد بر علوم و تحقیقات علمی، بیش از آن که ربطی به رقابت علمی داشته باشد، به عدم اعتماد مربوط است. این ادعای ما را به ماده ۲۴۹ (بند ۱) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز تأیید می‌کند. مطابق این ماده کشورها و سازمان‌های تحقیق‌کننده مکلف به تهیه گزارش‌های مقدماتی، ارایه نمونه‌ها، و داده‌ها به همراه ارزیابی‌ها و تفسیرهای حاصل از نمونه‌ها و داده‌ها به کشور ساحلی هستند. همچنین ماده ۲۴۹ (بند ۲) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به صراحت، حق گذاشتن شرط «جلب موافقت قبلی کشور ساحلی برای نشر بین‌المللی نتایج تحقیقات یک پروژه دارای اهمیت مستقیم برای اکتشاف و بهره‌برداری منابع طبیعی» را برای کشور ساحلی محفوظ می‌دارد. مخرج مشترک این مقررات، جملگی، جریان آزاد اطلاعات است.

با اینکه تمامی این نمونه‌ها فاقد سود برای محققان هستند، با این حال همان‌طور که پیشتر مذکور افتاد، با تفکیک پیشنهادی ما میان تحقیقات بنیادین و کاربردی برمبنای انتشار آزاد آن همخوانی و سازگاری دارند. از این‌رو، پایبندی به شرایط مقرر کشور ساحلی از حیث تنظیم مقررات و اجازه توسط کشور تحقیق‌کننده، عمدتاً به جریان اطلاعات یا شفافیت عملیات ربط پیدا می‌کند.

ماده ۲۴۹ این التزام را بر دوش کشور تحقیق‌کننده مستقر می‌سازد که یک سلسله شرایط معین را رعایت نماید؛ ماده ۲۵۳ این حق را به کشور ساحلی می‌دهد که یک پروژه تحقیقاتی را به حالت تعلیق درآورده یا به‌طور کامل قطع کند اگر چنانچه شرایط یا مقتضیاتی که در جریان عملیات تحقیقاتی (و نه قبل از آن) مقرر می‌شوند، رعایت نشده باشند.^{۲۰} علی‌الظاهر، التزام کشور تحقیق‌کننده در رعایت دستورات کشور ساحلی برای انجام تحقیقات علمی دریایی تنها تجلی‌بخش حق کشور ساحلی در تنظیم و وضع قوانین و مقررات مربوط به فعالیت‌های تحقیقاتی در منطقه انحصاری اقتصادی است. هرچند، چنانچه برمبنای این مقرره، کشور ساحلی از حقوق تفتیشی برخوردار شود، دامنه این التزامات وسیع‌تر خواهد شد.

روشن است که اگر کشور ساحلی فاقد اقتدار برای کنترل و تضمین پایبندی و رعایت پیش‌گفته باشد، دستور مبنی بر رعایت پاره‌ای دستورالعمل‌ها، بیهوده و عبث خواهد بود. بدون شک این حق الزاماً متضمن حق بازرسی فعالیت‌های کشتی و محققان خواهد بود. این حق پیش از این در ماده ۲۴۹ (بند ۱) پاراگراف الف) لحاظ شده است که این التزام را بر دوش تحقیق‌کننده می‌نهد که شرکت یا حضور نماینده کشور ساحلی را در پروژه تحقیقاتی تضمین نماید.^{۲۱} به‌نظر می‌رسد، شرکت داشتن در جریان تحقیقات تنها به دلیل و با هدف پیشبرد دانش باشد، ضمن اینکه نیازمند سطح خاصی از تجربه و حداقلی از دانش علمی است که شرکت‌کننده را قادر سازد تا کمکی مفید به جریان تحقیقات نماید یا دست‌کم به طریقی از طرق در انجام تحقیقات علمی وارد شود.

برعکس، اعزام نماینده توسط کشور ساحلی، حاکی از حضوری منفعل است؛ بدین‌معنا که هیچ آگاهی خاصی به‌نظر نمی‌رسد ضروری باشد، و تنها هدف آن به‌نظر می‌رسد تضمین این باشد که منافع کشور ساحلی تأمین شود؛ و اینکه قوانین، مقررات و شرایط آن کشور رعایت شوند. بنابراین ماده ۲۴۹ نه‌تنها موجد التزام برای کشور تحقیق‌کننده مبنی بر رعایت شرایط کشور ساحلی است، بلکه محدودیتی را هم بر آزادی تحقیقات علمی دریایی از حیث اجرای مقررات وارد می‌کند، آن هم از طریق اعطای تلویحی حق تفتیش به کشور ساحلی.

در بحث تفتیش پایبندی، به‌رغم وجود ماده ۲۴۹ (بند ۱) پاراگراف الف) کنوانسیون حقوق دریاها، این پرسش همچنان پرباجاست که آیا کشور ساحلی اختیار ورود به کشتی در هر زمانی را با هدف کنترل فعالیت تحقیقاتی دارد یا خیر. چنین اختیاری، فراتر از حق کشور ساحلی در اعزام یک ناظر به همراه کشتی است که در ماده ۲۴۹ (بند ۱) پاراگراف الف) آمده است، بدین دلیل که به کشور ساحلی این امکان را می‌دهد تا انجام پروژه تحقیقاتی را در همه حال کنترل نماید، بی‌آن‌که هیچ هماهنگی قبلی صورت گرفته باشد. چنین حقی در تعارض با آزادی دریانوردی به نحو مقرر در ماده ۸۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها خواهد بود که در رژیم منطقه انحصاری اقتصادی هم در ماده ۵۸ (بند ۱) مورد تأکید مجدد قرار گرفته است. هرچند، درخصوص سکوهای تحقیقاتی، رژیم بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، موجد یک رابطه ویژه است، که به کشور ساحلی شماری از اختیارات را به مثابه کارویژه صلاحیت آن کشور بر تحقیقات علمی دریایی اعطا می‌کند.

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، اعمال صلاحیت در دریا متضمن شماری از اقدامات است که کشور ساحلی برای تضمین کنترل پایبندی بدان متوسل می‌گردد. ماده ۲۵۳ که تدابیر اجرایی را در بخش سیزدهم مقرر می‌سازد را باید در این چارچوب به مثابه آستانه این تدابیر و اقدامات اجرایی قلمداد نمود که عبور از آن، به نقض آزادی دریانوردی خواهد انجامید. توقف کامل یا به حالت تعلیق درآوردن فعالیت تحقیقاتی در صورتی امکان‌پذیر است که تحقیقات ناقض قوانین، مقررات، یا شرایط مقرر کشور ساحلی تشخیص داده شود. این مقوله، به خودی خود، دستگیری و بازداشت را مستثنی می‌سازد، بدین دلیل که اینگونه اقدامات منتج به مداخله فیزیکی آشکار در عرصه سکوی تحقیقاتی خواهند شد که شدیدترین محدودیت آزادی دریانوردی به‌شمار می‌رود.

تعلیق و قطع کامل فعالیت تحقیقاتی علمی دریایی متضمن یک چنین مداخله فیزیکی نیست؛ به دیگر سخن، سکوی تحقیقاتی را تنها می‌توان از انجام

تمام یا برخی فعالیت‌های علمی‌اش منع نمود، اما آن سکو، در غیراین صورت آزاد است که به خواست خود دریانوردی نماید.^{۲۲} درمقابل، مواد ۷۳ (بند ۱) و ۲۲۰ (بند ۲ و ۶) به روشنی امکان توقیف و بازداشت یک کشتی را مرتکب نقض (به ترتیب) قوانین صید یا مقررات زیست محیطی شده است را مهیا می‌سازد. توقیف و بازداشت یک کشتی، هر نوع سکو، یا خدمه متصدی تحقیقات علمی دریایی آن بر همین اساس منجر به نقض کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها خواهد شد.

سایر تدابیر و اقدامات اجرایی همچنان در اختیار کشور ساحلی باقی می‌مانند، مواردی همچون نظارت، ورود به کشتی و بازرسی. حتی با اینکه ورود به کشتی، شامل توقف آن، حاکمی از مداخله فیزیکی در سکو است، با این حال این اختیار، پیش شرط اجتناب‌ناپذیر برای احراز پابندی یا نقض قوانین، مقررات یا شرایط کشور ساحلی قلمداد می‌شود. اگر چنانچه کشور ساحلی در جریان اجرای قانون، از ورود به کشتی منع شود، در این صورت، در وهله نخست، این ممانعت موجب پامال نمودن حقوق کشور ساحلی برطبق بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و به‌ویژه ماده ۲۴۹ این کنوانسیون خواهد بود، و در وهله دوم، کشور ساحلی را در معرض خطر نقض حقوق بین‌الملل قرار خواهد داد، آن هم بدین دلیل که چاره‌ای جز صدور دستور قطع فعالیت تحقیقاتی علمی دریایی، علی‌رغم فقدان مبنای کافی برای صدور چنین دستوری نخواهد داشت.

صدور چنین دستوری دایر بر قطع فعالیت تحقیقاتی کشتی بدون وجود دلیل و مبنای کافی برای انجام چنین اقدامی، درست است که به تبع ممانعت کشور تحقیق‌کننده (یا متصدیان کشتی) از ورود مقامات کشور ساحلی به کشتی جهت نظارت و بازرسی رقم خورده است، اما به هر روی کشور ساحلی را در معرض خطر نقض حقوق بین‌الملل قرار می‌دهد. به ابتدای اینکه دستور قطع یا تعلیق فعالیت، می‌تواند توسل به آیین‌های حل‌وفصل اختلاف را در پی داشته باشد، کشور ساحلی مکلف است که دلایل و مستندات مثبت‌ه ادعای خود را جمع‌آوری نماید. این تکلیف بر دوش کشور ساحلی، متضمن داشتن این حق است که بتواند مبادرت به توقف، ورود به کشتی و بازرسی آن، به‌عنوان یک حق تبعی ناشی از حق قطع یا تعلیق فعالیت کشتی، بنماید.

اکنون پرسش دیگری که مطرح می‌شود آن است که تحقق چه شرایطی برای توقف، ورود به کشتی و بازرسی آن ضروری است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در ماده ۲۲۰ (بند ۳)، «وجود زمینه‌ها و دلایل آشکار قابل باور» را لازم می‌شمارد، و ماده ۲۲۰ (بند ۶) «وجود دلیل عینی آشکار» را به‌عنوان پیش‌شرطهای اقدامات اجرایی ضروری قلمداد می‌کند.^{۲۳} در مقابل، در ماده ۲۱۸ (بند ۱)، صرف وجود یک ظن را به نظر کافی می‌داند.^{۲۴} و ماده ۷۳ (بند ۱)، ضمن سپردن این امر به تصمیم‌گیری کشور ساحلی که آیا توسل به اقدامات اجرایی ضروری است یا خیر، به کشور ساحلی این امکان را می‌دهد که ضروری بودن و اقتضای آن را تشخیص دهد.^{۲۵}

اکنون با توجه به اوضاع و احوال متفاوتی که این مقررات بر آن دلالت دارند، باید توجه داشت که درجات مداخله، نسبت به حقوق کشور ساحلی مبنی بر کنترل، متغیر است. از این‌رو، در مواردی که کشتی در بندرگاه قرار دارد، پیش شرط انجام تفتیش پیچیدگی و دشواری کمتری نسبت به مواردی دارد که در آنها کشور ساحلی با یک کشتی در دریا و با لحاظ آزادی دریانوردی آن روبه‌رو است و مترصد تفتیش آن است. ماده ۷۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در خصوص منابع زنده، در حیطه حاکمیت کشور ساحلی قرار می‌گیرد و به‌تبع، از نظام کنترل متفاوتی نسبت به موارد موجود در بخش دوازدهم و سیزدهم کنوانسیون برخوردار است. تمایز دیگری باید میان بخش دوازدهم و سیزدهم قائل شویم، بدین دلیل که بخش دوازدهم رژیم را معرفی و عرضه می‌نماید که در آن کشور ساحلی را می‌توان به مانند یک ایفاکننده نقش برای منافع بشریت از لحاظ حفاظت از محیط زیست توصیف نمود.^{۲۶}

بخش سیزدهم، درمقابل، مربوط است به یک فعالیت، که در هنگام انجام مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها، به‌عنوان یک فعالیت دارای خیر عمومی و مشترک و عام‌المنفعه مورد پذیرش قرار نگرفت.^{۲۷} درعین حال، باقیمانده آزادی‌های دریای آزاد به نفع کشورهای تحقیق‌کننده تمام شد، ازجمله اینکه صلاحیت نسبت به تحقیقات علمی دریایی، گزینه‌های اجرایی کمتری را در اختیار کشور ساحلی قرار می‌دهد. بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها هیچ مبنای صریحی را راجع به مداخله فیزیکی دربر ندارد.

در عین حال، ماده ۲۴۹ (بند ۱ پاراگراف ب) این التزام را بر دوش تحقیق‌کنندگان می‌نهد که «گزارش‌های مقدماتی»^{۲۸} برای کشور ساحلی مهیا سازند. «مقدماتی»^{۲۹} را باید «فوری»^{۳۰} معنا نمود، بدین معنی که باید به محض خاتمه تحقیقات انجام شود. این امر را همچنین می‌توان از کاربرد عبارت «به محض آماده شدن»^{۳۱} استنباط نمود که به‌نظر می‌رسد حاکمی از درنظر گرفتن نیازهای علمی است. واژه «قابل آماده شدن»^{۳۲} بر شرایط یک فعالیت دلالت دارد، که در این مورد فرایندی علمی است که طی آن داده‌ها و نمونه‌های جمع‌آوری شده مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرند. مدت‌زمانی که طول می‌کشد تا نتایج مشخص شوند و آنها را در یک گزارش تنظیم نمود را نمی‌توان به‌طور دقیق معین نمود،^{۳۳} از این‌رو تحمیل محدودیت بر آن به نوعی غیرمنطقی و بی‌فایده است. بنابراین این محدوده زمانی اساساً در اختیار کشور تحقیق‌کننده است و قابلیت آماده‌سازی علمی (گزارش‌ها) را نمی‌توان مبنایی برای تصمیم‌گیری از حیث تفتیش علمی قلمداد نمود.

ماده ۲۴۹ (بند ۱ پاراگراف ج) لزوم «در دسترس قرار دادن تمامی اطلاعات و داده‌های حاصل از پروژه تحقیقاتی علمی دریایی را به کشور ساحلی، به

درخواست این کشور» مورد اشاره قرار می‌دهد. دو اصطلاح «داده‌ها»^{۳۴} و «نمونه‌ها»^{۳۵} را باید به نحوی تفسیر نمود که دال بر داده‌های خامی باشند که «در محل»^{۳۶} جمع‌آوری شده‌اند. چنانچه دو اصطلاح پیش‌گفته را به همراه اصطلاح «به درخواست آن (کشور)»^{۳۷} تفسیر کنیم - که می‌تواند در هر زمانی در جریان تحقیقات مطرح شود، درست همان‌طور که با واژه «هرگاه» در ماده ۲۴۹ (بند ۱) مشخص شده است - درمی‌یابیم که این دو اصطلاح مبنایی ضمنی برای تفتیش کشتی مهیا نموده‌اند؛ بدین ترتیب که، چنانچه صرف «درخواست» نظر کشور ساحلی را تأمین نمود، آن کشور می‌تواند - در پرتو فضای کلی بخش سیزدهم که به نفع کشور ساحلی است - بر مبنای یک دغدغه صرفاً مرتبط با تحقیقات موجب تحقق التزامات کشور تحقیق‌کننده گردد. واژه «دسترسی»^{۳۸} به‌نظر می‌رسد این حق را هم به کشور ساحلی می‌دهد که به درون کشتی وارد شود، زیرا واژه دسترسی دلالت بر امکان بررسی داده‌ها و نمونه‌ها در همان مکانی که تولید می‌شوند و یا نگهداری می‌شوند، دارد.^{۳۹} تفتیش و بازرسی از طریق کاربرد واژه «حاصل از»^{۴۰} محدود به داده‌ها و نمونه‌هایی می‌شود که به‌طور مستقیم در ارتباط با پروژه تحقیقاتی هستند و از این طریق این امکان را برای کشور ساحلی محدود می‌سازد که در امور داخلی کشتی به‌طور کلی مداخله نماید. شواهد و مدارک دال بر نقض بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای تنها در چارچوب ماده ۲۴۹ قرار خواهند گرفت که در آن داده‌ها و نمونه‌ها به‌خودی خود نشانگر حدوث چنین نقضی هستند، بدین معنی که، مکانی که آن داده‌ها و نمونه‌ها از آن جمع‌آوری شده‌اند، در حیطه آن محدوده جغرافیایی نبوده است که اجازه کشور ساحلی بر آن منطبق باشد و در تناقض با آن اجازه از حیث رعایت یک حیطه جغرافیایی معین بوده است.

نکته دیگر در این بحث کنترل بر تحقیقات غیرمجاز است. در مواردی که کشور تحقیق‌کننده مبادرت به تحقیق به‌طور مخفیانه می‌نماید، که ارتباطی به پروژه تحقیقاتی مجاز او ندارد، ماده ۲۴۹ به نظر می‌رسد قابلیت اجرا نداشته باشد، آن هم بدین دلیل که واژه «حاصل از» پروژه تحقیقاتی را به کار برده است که نشان از پروژه مجاز دارد. در چنین مواردی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا کشور ساحلی می‌تواند کشتی را بر مبنای «شواهد عینی آشکار»، «دلایل آشکار باورپذیر»، یا براساس استانداردهای دیگر مورد بازرسی و تفتیش قرار دهد. با عنایت به توازن میان منافع کشورهای ساحلی و کشورهای صاحب پرچم یا تحقیق‌کننده در بخش‌های پنجم، دوازدهم و سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، استاندارد تفتیش و بازرسی کشتی باید محدود باشد.

در عین حال، آزادی دریانوردی به‌عنوان بخشی از آزادی‌های دریای آزاد در منطقه انحصاری اقتصادی نباید صلاحیت کشور ساحلی را بی‌اثر سازد. از این رو پیشنهاد شده است که کشور ساحلی قادر باشد در موارد وجود «شواهد عینی آشکار»، وارد کشتی شده و آن را بر مبنای صلاحیت خود نسبت به تحقیقات علمی دریایی مورد بازرسی و تفتیش قرار دهد. شواهد عینی آشکار به‌نظر می‌رسد، مثلاً، یک رفتار یا عمل انحرافی از طرح پیشنهادی تحقیق به‌طور جدی و عمده باشد که معلول شرایط بیرونی و خارج از اختیار مانند شرایط دریا یا آب‌وهوا نیست، و در مورد آن هیچ‌گونه هماهنگی با مقامات صلاحیت‌دار کشور ساحلی به‌عمل نیامده است. در این شرایط، تغییر در برنامه سفر یا مسیر یا بکارگیری تجهیزاتی که در درخواست تحقیق لحاظ نشده‌اند می‌تواند مبنایی برای مداخله کشور ساحلی براساس نقض فرضی (احتمالی) مجوز تحقیقات ایجاد کند، به‌ویژه این که کشور تحقیق‌کننده از محدودیت‌های فعالیت مجاز تجاوز نماید. در مقابل، صرف یک تأخیر در انتقال داده‌ها یا «گزارش مقدماتی» به‌عنوان یکی از شرایط اعطای مجوز تحقیقات، نمی‌تواند به‌خودی خود، از جمله این شواهد عینی آشکار قلمداد شود، بدین دلیل که در آن هیچ‌گونه تجاوز و تخطی از مجوز اعطایی رخ نداده است.

۶. نتیجه‌گیری

فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی هم می‌توانند توسط نهادها و محققان داخلی، و هم خارجی به انجام رسند. امروزه کمتر کشور ساحلی در جهان را می‌توان یافت که دریافت درخواست انجام فعالیت تحقیقاتی علمی دریایی توسط نهادها و محققان خارجی و بین‌المللی را تجربه نموده باشد. اعطای اجازه انجام تحقیقات علمی دریایی توسط هر کشور ساحلی به‌طور معمول متضمن طی یک فرایند ویژه توسط نهاد یا محقق خارجی است.

بر اساس مقررات بین‌المللی، تکلیف به رعایت تدابیر مقرر توسط کشور ساحلی برای هر نوع فعالیت، اعم از فعالیت تحقیقاتی دریایی، در حیطه صلاحیت‌اش، تابع اختیار آن کشور در اعطا یا استنکاف از اعطای اجازه برای تحقیقات علمی دریایی به محققان و نهادهای خارجی در مناطق گوناگون دریایی، از جمله در منطقه انحصاری اقتصادی است. کشور ساحلی نه‌تنها اختیار تصمیم‌گیری در مورد «بله» یا «خیر» فعالیت‌های تحقیقاتی را دارد که در درون آن حق «تنظیم مقررات» و «اجازه» نهفته است، بلکه اختیار تصمیم‌گیری پیرامون «چگونگی» آن فعالیت‌ها را نیز دارد. این اختیار اخیر را هم می‌توان به‌عنوان بخشی از فرایند اعطای اجازه قلمداد نمود که در اختیار کشور ساحلی است. این اختیار از حق کلی در تنظیم قوانین و مقررات برای انجام فعالیت‌های تحقیقاتی نیز فراتر می‌رود، از این حیث که به کشور ساحلی این امکان را می‌دهد که به اعمال محدودیت‌های مورد به مورد مبادرت ورزد.

ظرفیت‌های قابل توجه و کم‌نظیر موجود در مناطق دریایی و سواحل کشورمان، به‌ویژه در خلیج فارس و دریای عمان، از بسیاری جهات برای محققان و نهادهای تحقیقاتی دریایی داخلی و خارجی، که در هر زمینه از علوم و فنون دریایی فعالیت می‌کنند، غیرقابل انکار است. اگر محققان و نهادهای

تحقیقاتی خارجی و بین‌المللی تحت چارچوب و در شرایطی که در این نوشتار آمد، امکان دسترسی به مناطق دریایی کشورمان را داشته باشند، می‌توان با بکار بستن آن‌ها این تهدید احتمالی را به فرصتی تبدیل نمود که طی آن ضمن بهره‌مندی از ظرفیت‌های نهادهای علمی بین‌المللی در حوزه علوم و فنون و تجربیات مفید، اعم از انتقال فناوری، آموزش متخصصان کشورمان و دسترسی به نتایج حاصل از تحقیقات در راستای توسعه سواحل و مناطق دریایی کشور، می‌توان منافع ملی کشور را نیز در این فرایند تضمین نمود.

بنابراین، ج. ا. ایران می‌تواند با اعمال این شرایط قانونی و متعارف بین‌المللی، که منطبق با موازین موجود در حقوق بین‌الملل دریاهای نیز می‌باشد، از یک سو، ضمن انتفاع از این ظرفیت‌ها، هم امکان شرکت محققان کشورمان را در آن سفر و فعالیت تحقیقاتی محققان و نهادهای تحقیقاتی بین‌المللی شناخته‌شده در آب‌های تحت حاکمیت یا صلاحیت‌مان فراهم کند، و هم از سوی دیگر، با نهادن ناظران آگاه در جریان سفر تحقیقاتی مزبور بر فرایند تحقیقاتی علمی دریایی نظارت مقتضی و کنترل مؤثر به عمل آورد. افزون بر این، از این امکان می‌توانیم استفاده حداکثری با هدف توأمان توسعه سواحل-مان و حفظ و تضمین منافع ملی کشور بنماییم.

۷. مراجع

[۱] منظور به‌طور عام کلیه قوانین و مقررات داخلی است که حسب مورد دلالت بر حاکمیت و صلاحیت کشورمان بر آب‌ها و مناطق دریایی کشورمان دارند و نیز حقوق و تکالیفی را برای سایر کشورها و یا نهادهای خارجی و بین‌المللی در پاره‌ای از این مناطق دریایی وضع نموده‌اند. اما به‌طور خاص منظور قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ خورشیدی مجلس شورای اسلامی است. البته مقررات دیگری نیز در قالب آیین‌نامه‌های اجرایی و غیره به مانند آیین‌نامه احداث و استفاده از تاسیسات در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران در خلیج فارس و دریای عمان (مصوب ۱۳۷۵/۹/۲۸ هیئت وزیران) وجود دارند که حسب مورد باید به آن‌ها مراجعه نمود.

[۲] منظور سند بین‌المللی است که در میان حقوق‌دانان بین‌المللی دریایی به «قانون اساسی دریاهای» شهرت یافته است. این سند همانا کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد راجع به حقوق دریا است. البته درست است که ج. ا. ایران عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاهای نیست، اما قانون مناطق دریایی کشورمان در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ خورشیدی، به مانند برخی دیگر از کشورهای غیرعضو، با الگوی این کنوانسیون تهیه شده است و قانون مزبور در بسیاری از مقررات، سازگاری کامل با مفاد کنوانسیون مزبور دارد. وضعیت در مورد بسیاری از قوانین دریایی کشور غیرعضو دیگر، یعنی ایالات متحده آمریکا، نیز به همین ترتیب است. برای ملاحظه قوانین و عملکرد ایالات متحده آمریکا، به‌خصوص در زمینه تحقیقات علمی دریایی به منبع ذیل رجوع کنید که مجموعه مفصلی از این قوانین و عملکردها را جمع‌آوری کرده است:

- Montserrat Gorina-Ysern, An International Regime for Marine Scientific Research, Martinus Nijhoff Publishers, 2003;

بر همین اساس، کشور ما نیز می‌تواند منصرف از مسئله عدم عضویت در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، با الگوبرداری از دیگر مقررات مندرج در این سند بین‌المللی، در تمامی زمینه‌های مقتضی از جمله مقوله فعالیت‌های تحقیقاتی دریایی توسط بیگانگان، از این معاهده بین‌المللی در جهت نهادینه‌سازی این گونه فعالیت‌های دریایی بهره‌برداری لازم را نماید. این را هم باید افزود که در حال حاضر ۱۶۴ کشور با تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریا، به عضویت آن در آمده‌اند. (تا تاریخ ۴ آبان‌ماه ۱۳۹۱ (برابر با ۲۵ اکتبر ۲۰۱۲) در مجموع ۱۶۴ کشور کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای را به تصویب رسانده‌اند. آخرین کشورهای عضو، اکوادور و سوازیلند بوده‌اند که هر دو در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۲ به جرگه اعضا پیوسته‌اند.) این کثرت استقبال کشورها از این معاهده بین‌المللی، به خودی خود، نشان از اهمیت آن و فرایند کامیابی دارد که به سوی جهان‌شمولی طی می‌کند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به تارنمای سازمان ملل متحد، بخش حقوق دریا، به نشانی زیر:

http://www.un.org/Depts/los/reference_files/status2010.pdf

U.S Committee on International Ocean Affairs

[۳] البته براساس همین تحقیق، از میان ۳۵۷ رضایت اعطا شده، ۲۲ مورد آن توسط خود تحقیق‌کنندگان با انصراف و لغو تحقیقات مواجه شده است، آن هم عمدتاً به دلیل تأخیر کشور ساحلی، اظهارات مایوس‌کننده توسط سایر تحقیق‌کنندگان و دانشمندان علوم دریایی، انصراف نهاد یا سازمان متصدی تحقیق و غیره. در ۲۸ مورد درخواست ترخیص توسط کشور ساحلی مردود اعلام شده، و ۶۰ مورد هم همچنان معطل دریافت اجازه انجام تحقیقات هستند. تحقیق مزبور به نتایج جالبی راجع به بررسی موارد استنفکاف کشورها از اعطای اجازه تحقیقات دست یافته است. این نتایج از قرار ذیل‌اند:

«الف) کشور مکزیک در هیچ موردی از دادن اجازه، استنفکاف نوزیده است، با توجه به اینکه مناطق مربوطه مورد درخواست تحقیقات، مناطقی با حجم عظیم تحقیقات هستند. (ب) از هر چهار مورد استنفکاف از دادن رضایت در منطقه آمریکای جنوبی، سه مورد آن توسط نمایندگان آمریکا صورت گرفته است. (ج) از هر چهار مورد استنفکاف از درخواست‌های ورود به بندر کشور ساحلی در جنوب آسیا سه مورد توسط برمه صورت گرفته است که سیاست کلی‌اش، عدم مداخله در امور دریایی است و به‌طور متعارف تمامی درخواست‌ها را رد می‌کند. (د) اتحاد جماهیر (سابق) غالباً درخواست‌های انجام تحقیقات در دریای سرزمینی و فلات قاره را رد می‌کند.»

- بنگرید به صفحات ۷۰ به بعد تحقیق پیش‌گفته.

[۵] بنگرید به صفحات ۶۳ تا ۷۰ تحقیق پیش گفته.

[۶] پیشین، همان صفحات.

[۷] این منبع در تارنمای ذیل قابل دسترسی است:

<<http://www.state.gov/www/global/oes/oceans/ntrvo85.html>>

[۸] بنگرید به تفسیر ماده ۲۴۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در جلد چهارم منبع ذیل:

- M. H. Nordquist, op.cit, vol. IV, pp. 537-553.

[۹] بند (و) ماده ۲۴۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را با بند یک پاراگراف الف ماده ۲۴۹ آن مقایسه کنید:

«ماده ۲۴۸: کشورها و سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار که قصد دارند در منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره یک کشور ساحلی تحقیقات علمی دریایی انجام دهند، حداقل شش ماه قبل از تاریخ مورد انتظار برای شروع پروژه تحقیقات علمی دریایی، یک شرح کامل از موارد زیر به آن کشور ارائه خواهند داد: ... (و) حدی که کشور ساحلی باید قادر باشد تا آن حد در پروژه شرکت نماید یا در آن نماینده داشته باشد.»

«ماده ۲۴۹: ۱. کشورها و سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار در موقع انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره یک کشور ساحلی شرایط زیر را رعایت خواهند کرد: ... الف) تضمین حق کشور ساحلی، اگر او چنین مایل باشد، به شرکت یا داشتن نماینده در پروژه تحقیقات علمی دریایی، به خصوص در عرشه و داخل کشتی تحقیقاتی یا سایر کرافت یا تأسیسات تحقیقات علمی، در موارد ممکن بدون پرداخت هیچ وجه و اجرتی به محققین کشور ساحلی و بدون تعهد مشارکت در هزینه‌های پروژه.»

[۱۰] تأکید از نگارنده است.

[۱۱] بنگرید به منبع پیشین، صص ۵۲۶ تا ۵۵۳.

When Practical

it so desires If

[۱۲]

[۱۳]

[۱۴] بنگرید به گزارش اختصاری «نیروی ویژه بین‌المللی برای خیر عمومی جهانی» که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد در منبع ذیل:

- Patricio A. Bernal, Observations and Knowledge of the Oceans: Marine Scientific Research, the Transfer of Marine Technology and Capacity Building, in M. H. Nordquist, R. Long, T. H. Heider, and J. N. Moore, editors, *Law, Science and Ocean Management*, Martinus Nijhoff, 2007, pp. 21-61, at pp. 27- 28.

F. Wegelein, *Marine Scientific Research*, op. cit, p. 192.

[۱۵]

[۱۶] پیشین، ص ۱۹۳.

cit, pp. 191 and Forward. A. H. Soons, MSR and LOS, op.

[۱۷]

[۱۸] بنگرید به آلفرد سونز، پیشین، ص ۱۹۲.

F. Wegelein, *Marine Scientific Research*, p. 194.

[۱۹]

[۲۰] ماده ۲۵۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها چنین است:

ماده ۲۵۳: تعلیق یا قطع کامل فعالیت‌های تحقیقات علمی دریایی

۱- یک کشور ساحلی حق خواهد داشت تعلیق هر فعالیت تحقیقات علمی دریایی در حال اجرا در داخل منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره خود را درخواست نماید، اگر:

الف) فعالیت‌های تحقیقاتی مطابق با اطلاعات داده شده به نحو مقرر در ماده ۲۴۸ که رضایت کشور ساحلی بر آنها مبتنی بوده، انجام نمی‌شوند.

ب) کشور یا سازمان بین‌المللی صلاحیت‌دار انجام دهنده فعالیت‌های تحقیقاتی مقررات ماده ۲۴۹ در رابطه با حقوق کشور ساحلی در ارتباط با پروژه تحقیقات علمی دریایی را رعایت نمی‌نماید.

۲- کشور ساحلی حق خواهد داشت، در صورت هرگونه عدم رعایت مقررات ماده ۲۴۸ که به یک تغییر عمده در پروژه تحقیقاتی یا فعالیت‌های تحقیقاتی منتهی می‌شود، توقف هر فعالیت تحقیقات علمی دریایی را بخواهد.

۳- اگر هریک از وضعیت‌های مذکور در بند ۱ ظرف یک مدت زمان متعارف تصحیح نشوند، کشور ساحلی همچنین می‌تواند قطع فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی را درخواست کند.

۴- پیرو اعلام تصمیم و دستور کشور ساحلی در مورد تعلیق یا قطع تحقیقات، کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار مجاز به انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی، فعالیت‌های تحقیقاتی موردنظر، را پایان خواهند داد.

۵- وقتی که کشور تحقیق‌کننده یا سازمان بین‌المللی صلاحیت‌دار شرایط مذکور در مواد ۲۴۸ و ۲۴۹ را رعایت نموده، کشور ساحلی دستور تعلیق مندرج در بند ۱ لغو خواهد کرد و فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی ادامه خواهند یافت.

[۲۱] پاراگراف (الف) بند ۱ ماده ۲۴۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در باب تکلیف کشور تحقیق‌کننده به رعایت شرایط مشخص چنین است:

«الف - تضمین حق کشور ساحلی ... در شرکت یا اعزام نماینده در پروژه تحقیقات علمی دریایی، به خصوص در عرشه و داخل کشتی تحقیقاتی یا سایر وسایط یا تأسیسات مربوط به تحقیقات علمی دریایی.»

[۲۲] بنگرید به تفسیر ماده ۲۵۳ (به‌ویژه بند ۴) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در جلد چهارم از منبع ذیل:

- M. H. Nordquist, op.cit, p. 579.

[۲۳] بندهای ۳ و ۶ ماده ۲۲۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در باب اجرای قوانین و مقررات توسط کشورهای ساحلی چنین اشعار می‌دارند:

ماده ۲۲۰ بند ۳: در مواردی که دلایل روشنی برای این باور وجود دارند که یک کشتی در حال دریانوردی در منطقه انحصاری اقتصادی یا دریای سرزمینی یک کشور، در منطقه انحصاری اقتصادی قواعد و استانداردهای بین‌المللی قابل اعمال برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی از کشتی‌ها، یا قوانین و مقررات آن کشور که منطبق با این قواعد و استانداردهای بین‌المللی وضع شده و به آنها تأثیر و اعتبار بخشیده‌اند، را نقض کرده، آن کشور می‌تواند از کشتی بخواهد اطلاعات مربوط به هویت، بندر ثبت، آخرین بندر و نیز بندر بعدی مقصد خود و سایر اطلاعات مربوطه مورد نیاز برای اثبات اینکه آیا نقضی صورت گرفته، را در اختیار آن کشور قرار دهد.

ماده ۲۲۰ بند ۶: در مواردی که شواهد عینی وجود دارد که یک کشتی در حال دریانوردی در منطقه انحصاری اقتصادی یا دریای سرزمینی یک کشور، در منطقه انحصاری اقتصادی نقض مذکور در بند ۳ را مرتکب شده که منجر به تخلیه زباله و موجب خسارت عمده یا تهدید به خسارت عمده خط ساحلی یا منافع مربوطه کشور ساحلی یا به هر منبع دریای سرزمینی یا منطقه انحصاری اقتصادی او گردیده، می‌تواند مطابق با قوانین خود، منوط به بخش ۷، مشروط بر اینکه شواهد چنین اقتضا کنند، اقدامات قضایی و دادرسی، شامل توقیف کشتی، اتخاذ و شروع نماید.

[۲۴] بند ۱ ماده ۲۱۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها چنین است:

ماده ۲۱۸: اجرا به وسیله کشورهای بندری

۱- وقتی که یک کشتی به‌طور داوطلبانه داخل بندر یا پایانه دریایی یک کشور قرار دارد، آن کشور می‌تواند رسیدگی‌ها را برعهده بگیرد، و در مواردی که شواهد چنین ایجاب کنند، در ارتباط با هر تخلیه از آن کشتی خارج از آب‌های داخلی، دریایی سرزمینی یا منطقه انحصاری اقتصادی آن کشور با نقض قواعد و استانداردهای بین‌المللی قابل اعمال ایجاد شده توسط سازمان صلاحیت‌دار بین‌المللی یا کنفرانس‌های دیپلماتیک عمومی، دادرسی تشکیل می‌دهد

[۲۵] الف) بند ۱ ماده ۷۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها چنین است:

«ماده ۷۳: اجرای قوانین و مقررات کشور ساحلی

۱- کشور ساحلی می‌تواند برای اعمال حقوق حاکمیت خود در اکتشاف، بهره‌برداری، حفاظت و مدیریت منابع زنده، منطقه انحصاری اقتصادی، اقدامات لازم از جمله ورود به کشتی، بازرسی، بازداشت و رسیدگی‌های قضایی که ممکن است برای تضمین رعایت قوانین و مقررات مصوب وی در انطباق با این کنوانسیون، ضرورت داشته باشد را به عمل آورد.» ...

[۲۶] بنگرید به:

- A. C. Kiss and Dinah Shelton, *International Environmental Law*, Transnational Publishers, 3rd edition, 2004, pp. 507.

[۲۷] این تفاوت در نگرش مذاکره‌کنندگان کنفرانس سوم حقوق دریاها میان بخش دوازدهم و سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، به‌طور عمده به دو دلیل

بود: نخست، این کنفرانس اندکی پس از حادثه دریایی توری کانیون (Torrey Canyon) که در سال ۱۹۶۷ رخ داد آغاز به کار نمود و این در حالی است که آن حادثه زنگ خطر را برای بسیاری از کشورها به‌طور جدی نواخته بود. این حادثه به‌طور خلاصه بدین ترتیب بود که «در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۶۷، برخورد نفت‌کش لیبریایی توری کانین به یک تخته سنگ در آب‌های آزاد در نزدیکی سواحل انگلستان و فرانسه سبب شد که مقدار زیادی از نفت مخازن به دریا ریخته شود و سواحل این دو کشور را آلوده کند. چند روز بعد از این سانحه و برای جلوگیری از آلودگی بیشتر سواحل، کشور انگلستان سرانجام تصمیم می‌گیرد که بدون در نظر گرفتن قانون پرچم، کشتی را بمباران کند و با آتش زدن بقیه محموله نفت‌کش، از گسترش دامنه آلودگی بکاهد. این اقدام از طرف کشوری که یکی همواره از سرسخت‌ترین طرفداران قانون پرچم بود، اهمیتی به‌سزا دارد و سرآغاز تصمیماتی است که، پس از آن، کشورهای معظم دریایی به منظور محدود کردن این قاعده اتخاذ کردند». برای مطالعه افزون بر این، بنگرید به: جمشید ممتاز، مبارزه با آلودگی ناشی از نفت‌کش‌ها، *مجله روابط بین‌الملل*، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۵۶. به نقل از: جمشید ممتاز با همکاری امیرحسین رنجبریان، ایران و حقوق بین‌الملل، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۱۶.

دوم اینکه، متعاقب این حادثه، بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای اروپایی، مبادرت به انعقاد کنوانسیون‌ها و موافقتنامه‌های دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای و جهانی متعدد در زمینه حفاظت از محیط زیست دریایی (در مقابل آلودگی‌های نفتی، زباله و پسماندها و ...) نمودند. جدیت این موضوع در آن مقطع به حدی رسید که تا پیش از پایان مذاکرات کنفرانس سوم و تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، ادبیات حقوقی جامعی پیرامون مقوله حفاظت از محیط زیست دریایی در جامعه بین‌المللی در چارچوب حقوق بین‌الملل در قالب معاهدات منطقه‌ای متعدد ایجاد شد (از جمله معاهدات منطقه‌ای که با حمایت مالی برنامه محیط زیست ملل متحد در خلیج فارس (کویت ۱۹۷۸)، آفریقای غربی و مرکزی (ابیجان ۱۹۸۱)، خلیج عدن و دریای سرخ (جده ۱۹۸۲)، اقیانوس هند و آفریقای شرقی (ناپروبی ۱۹۸۵) و غیره) که موجب شد هم روند مذاکرات در جریان کنفرانس سوم حقوق دریاها به آسانی پیش برود و هم بی‌نیاز از نوآوری و بدعت از طریق توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل در این زمینه باشد. برآیند این واقعیت بیش از همه در آن جا متجلی است که کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در بخش دوازدهم خود فاقد هرگونه قواعد ماهوی جدید در زمینه مبارزه با آلودگی دریای آزاد است؛ هرچند تعداد اندکی قاعده در باب حفاظت از منابع زنده دریایی در خود جای داده است. افزون بر این، بسیاری از مقررات مندرج در بخش دوازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، به‌طور کامل از همین اسناد

بین‌المللی پیش‌گفته الهام گرفته‌اند؛ مانند التزامی که در ماده ۱۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در حمایت از محیط زیست بر دوش کشورها مستقر گردیده که الهام گرفته از اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ است.

برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به:

- A. C. Kiss and D. Shelton, op. cit, pp. 500-507.

Preliminary reports [۲۸]

Preliminary [۲۹]

Prompt [۳۰]

as soon as practicable [۳۱]

Practicable [۳۲]

[۳۳] البته در فرم‌های درخواست برخی از کشورهای ساحلی معمولاً عبارت «تاریخ تخمینی ارائه گزارشات» لحاظ شده است. برای مشاهده نمونه این فرم‌ها بنگرید

به تارنمای ذیل:

<<http://www.state.gov/www/global/oes/oceans/ntrvo.html>>

Data [۳۴]

samples [۳۵]

on the spot [۳۶]

at its request [۳۷]

access [۳۸]

[۳۹] بنگرید به تفسیر ماده ۲۴۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در جلد چهارم از منبع ذیل:

- M. H. Nordquist, op.cit, vol. IV, pp. 537-553.

derived (from) [۴۰]